

# گوشه‌های زندگی و تعمیر

زرتشتیان  
زنده  
رسوم  
و  
از آداب  
گوشه‌های

نگارش

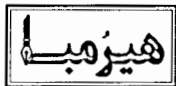
کتایون مرزآپور

به کوشش

ویدا نداف

# شمع و انگری

کوشه‌های آزاداب و رسوم زنده‌زرتشتیان



امید که نیکی و برکت  
و خواسته به من برسد

چاپ این کتاب از سوی دهش خیریه‌ی  
 • ملا بهزاد به نامگانه‌ی روانشاد بهزاد آیین رحشن •  
 به سامان رسیده است. همواره یاد و راهش پر فروغ باد

سرشناسه:	مزدایور، کتابون، ۱۳۳۳
عنوان و نام پدیدآور:	شمع و لنگری: گوشه‌ای از آداب و رسوم زنده زرتشتیان / نگارش کتابون مزدایور؛ به کوشش ویدا نداف
مشخصات نشر:	تهران: هیژمیا ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری:	۱۲۰ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۲۳-۹۶۳۸۶-۲-۰
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبیا
یادداشت:	کتابنامه
عنوان دیگر:	گوشه‌ای از آداب و رسوم زنده زرتشتیان.
موضوع:	زرتشتیان - آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
موضوع:	Zoroastrians - Social and customs
موضوع:	جشن‌ها - زردشتی
شناسه افزودن:	نداف، ویدا، گردآورنده
ردمبندی کنگره:	BL۱۵۷۱
ردمبندی دیویی:	۲۹۵/۳
شماره کتابشناسی ملی:	۵۹۵۵۶۸۳

# شمع و لنگری

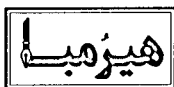
گوشه‌ای از آداب و رسوم زنده زرتشتیان

نگارش:

کتایون مزداپور

به کوشش

ویدا نداف



۱۳۹۹

# شمع و زندگی

کوشش‌های آرزوآباد و رسوم زنده‌زرتشتیان

کتابیون مزداپور

به کوشش: ویدا نداف

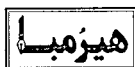
آماده‌سازی پیش از چاپ: کارگاه نشر هیزمیا

نگارش بر چاپ: بهنام مبارکه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹ / شمارگان: ۶۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۳۸۶-۲-۰

شماره‌ی نشر: ۱۷ / ۱۴ - ۲۰۱ / ۸ - ۹۹



---

تهران - کارگر شمالی بالاتر از بلوار کشاورز کوچه میر پلاک ۱۸

کد پستی ۱۴۱۸۷۵۴۴۵۳      تلفن: ۶۶۴۲۰۶۲۰

همراه: ۰۹۱۶۰۰۹۵۲۴۹ - ۰۹۱۲۶۸۷۶۹۵۲

---

همه‌ی حقوق برای ناشر نگهداری شده است

تمام حقوق نگاهداری شده و از آن نشر هیزمیا است.

تکثیر، انتشار و ترجمه‌ی این کتاب یا بخشی از آن

به هر شیوه بدون مجوز قبلی و کتبی ناشر بیگردد دارد

## فهرست

- ۷ مقدمه
- ۹ تداومِ آدابِ کهن در رسم‌های معاصرِ زرتشتیان در ایران
- ۵۱ سنتِ دیرپایِ کهن
- ۶۱ شمع و لنگری
- ۶۵ رسمی قدیمی
- ۶۹ جشن دوستی
- ۷۵ شب یلدا و جشن خزم‌روز
- ۸۳ سده جشن آتش و کار در گروه
- ۸۹ نوروز پیوندی فرهنگی
- ۹۵ نوروزی
- ۱۰۱ نوروز و رستاخیز خانه‌ها
- ۱۰۷ آتش‌افروزی در نوروز



## مقدمه

سه مقاله نخست این مجموعه به بررسی آداب و رسوم زرتشتی تعلق دارد و نیز تداوم و اهمیت حفظ این رسوم. آداب و رسوم جامعه زرتشتی در سه دوره بررسی می‌شود، ابتدا دوران ساسانیان که با رهبری روحانیان زرتشتی همراه بود و اعتبار آن عقاید و رسمها از نظر پیروان دین زرتشتی و جامعه استوار بود. دوره بعد، با سقوط ساسانیان همراه بود که روحانیان زرتشتی و رسمهای کهن در موضعی تدافعی قرار گرفتند. دوره پایانی که جامعه زرتشتی با زندگانی مدرن و فرهنگ غربی روبرو شد، بسیاری از آداب و رسوم قدیمی که ثابت مانده بود، دستخوش دیگرگونی و تغییر شدند.

آداب و رسوم جامعه زرتشتی یادگار گذشتگان است که نباید چندان سرسری، ساده و نادیده گرفت. زیرا آیینها و کلمات اساطیری قدیمی احتمال می‌رود که معنایی ژرف یا نقش کاربردی و مهم داشته باشد. برای نمونه مراسم قدیمی «شمع و لنگری» بخشی است از مراسم سیروزه و نیز سالی یکم درگذشت. در تنگ غروب شب پیش از سیروزه و سال، در لنگری، که سینی لبه‌دار و بزرگ است، سی شمع می‌افروزند و آن شمعهای روشن را در لنگری قرار می‌دهند. سی شمعدان، از گِل یا انواع میوه‌های فصل می‌سازند و سی شمع را در آن می‌گذارند. گروهی از خویشاوندان نزدیک، همسایگان به همراه گروه و دسته‌ای به راه می‌افتد و به سوی خانه‌ای که سیروزه و یا سال می‌خواند، آرام به پیش می‌رود. در پیشاپیش گروه ساز و آواز برپاست که به خانه نزدیک می‌شود و گاهی ریختن اشک، گرچه پسندیده نیست، اما ناگزیر است.

مقاله‌های بعدی به جشنهای ایرانی - زرتشتی می‌پردازد:

جشن مهرگان در روز مهر از ماه مهر برگزار می‌شود. مهر از همان دوران قوم



هندوآریایی، شاید هزاره سوم قبل از میلاد مسیح مورد ستایش بوده است. مهر را به عنوان نماد و نشانه آفتاب و روشنی و همچنین پیمان و دوستی و محبت می‌ستوده‌اند و برای او قربانی می‌کرده‌اند. پیش از پیامبری زرتشت قربانی خونین بوده است، اما بعد با ظهور زرتشت، این داستانها و کردارهای خدایان تحت نظم و قوانین اخلاقی زرتشتی درآمد و خدایان کهن بدل به ایزدانی شدند که نماد نیکیهای هر مزد خدای و آفریدگان سودمند و نیک دادار خدای شدند.

شب یلدا نیز از جشن‌های ایرانی است که جنبه ملی و همگانی دارد. با آغاز زمستان بلندترین شب سال را جشن می‌گیریم. یلدا واژه‌ای سریانی است که با تولد و میلاد و ولادت هم‌ریشه است. یلدا شب ولادت و زایش آفتاب و خورشید و مهر است، ایزد مهر. ایرانیان، آداب شب چله را که با تولد هم ارتباطی ندارد، و هماهنگ با فصل سرد زمستان است به جای می‌آورند.

جشن سده، جشن آتش است که با جشن گرفتن و آتش افروختن سده، نظم و هماهنگی طبیعی جهان را به جامعه خود می‌آوریم و به آن ارزشی انسانی و بهای اجتماعی می‌دهیم. وقتی بعد از شب یلدا، سده را جشن گرفتیم و چله بزرگ تمام شد و چله کوچک شروع شد، کم‌کم می‌رویم تا خود را برای نوروز آماده کنیم، همانند طبیعت که او هم می‌رود جشن نوروز را برپا کند.

نوروز جشنی است که با تغییر فصل و آمدن بهار پس از زمستان یکتایی و وحدت دارد. جشن نوروز شادی منظم و هر ساله و مزده تفاهمی جهانی و بیوندی فرهنگی است. برگزاری نوروز در تخت جمشید برخوردار شاد فرهنگهای دور و نزدیک با یکدیگر بوده است و نیز امروزه به روشنی مشاهده می‌کنیم اقوامی دوردست با گرفتن جشن نوروز هماهنگی و همگامی فرهنگی خود را نشان می‌دهند.

ویدا نداف

آبان ماه ۱۳۹۸

# تداوم آداب کهن در رسمهای

## معاصر زرتشتیان در ایران\*

### سراغاز

آداب و رسوم زرتشتی در دوران ساسانیان را با رجوع به نوشته‌های قدیمی زرتشتی می‌توان بازشناخت. در این گفتار، آداب و رسوم کنونی زرتشتیان در ایران، بصورتی که زنده است و به عمل در می‌آید، با آنچه در نوشته‌های کهن (مثلاً در کتابی مانند شایست ناشایست و تکملة آن)<sup>(۱)</sup> آمده است، سنجیده می‌شود و تغییراتی که با گذشت زمان در آنها پدید آمده و نکاتی دربارهٔ چگونگی این تغییرات، موضوع سخن است. در مورد آداب و رسوم کنونی زرتشتیان ایران از مشاهدات و اطلاعات شخصی و اطلاعات شفاهی<sup>(۲)</sup> استفاده خواهد شد.

هر رسم مرگب از اجزایی مختلف است و در عین حال، مرکزیت و کلیتی دارد که این اجزای مختلف را تحت نظم معینی با هم ترکیب می‌کند و مجموعهٔ واحدی را پدید می‌آورد. آنگاه همین مجموعهٔ واحد، خود به مثال واحدی

---

\* فرهنگ، ویژهٔ زبان‌شناسی، سال هفدهم، شماره‌های اول و دوم پیاپی ۵۰-۴۹، بهار و تابستان ۱۳۸۲، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۱۷۹-۱۴۷ (ترجمهٔ این مقاله به زبان آلمانی در مجموعهٔ مقالات سمینار به چاپ رسیده است): متن سخنرانی در سمینار بین‌المللی آیینهای کیش زرتشتی در هایدلبرگ آلمان (آوریل ۲۰۰۲/فروردین ۱۳۸۱).

(unit) مستقل در ساخت کلی فرهنگ جامعه و نیز زندگانی خود فرد، جایگاه و نقش (function) معینی می‌یابد. تغییراتی که بر هر یک از اجزای سازنده هر رسم حادث می‌شود و کم و زیاد شدن شماره اجزایی که آن رسم را می‌سازد و یا تغییری که در جایگاه و نقش رسم روی می‌دهد، در وهله اول، تابع شرایط ذهنی و ضمیر اعضای جامعه و جامعه برگزارکنندگان آن رسم و در وهله دوم، تابع شرایط عینی و محیط طبیعی خارجی است. تصورات و شرایط ذهنی و تأثیر ذهن بر محیط و حاصل مجموع فعل و انفعالات ذهنیات و عینیات به مثابه بخش بنیادین و شالوده آن رسم عمل می‌کند. سپس مسأله اشیا و امکانات و چیزهایی که در برگزار کردن رسم ضرورت دارند، مطرح می‌شود.

درباره هر یک از آداب و رسوم و اجزای سازنده آنها و شرایطی که منجر به بقا، یا تغییر می‌شود، باید یک بار به تنهایی و بار دیگر در آن ترکیب و کلیتی که می‌یابند، بحث کرد. در این گفتار به ذکر نکاتی چند اکتفا می‌شود.

آداب و رسوم جامعه زرتشتی تا پایان دوران ساسانیان با رهبری مغان (روحانیان زرتشتی)، بر حمایت یکی از مقتدرترین حکومت‌های جهان متکی بود. به همین دلیل، آداب و رسوم و باورهای آن، محل شک و تردید قرار نمی‌گرفت و به احتمال قوی، صدای انتقادکنندگان آن (مانند مسیحیان معترض)، حتی به گوش رهبران دینی و مردم نمی‌رسید و اعتبار آن عقاید و رسمها از نظر پیروان دین زرتشتی و جامعه، استوار بود. اما با سقوط ساسانیان این وضع تغییر یافت و روحانیان زرتشتی و رسمهای کهن در موضع تدافعی قرار گرفتند. بعداً، هنگامی که جامعه زرتشتی با زندگانی مدرن و فرهنگ غربی روبرو شد، آداب و رسوم قدیمی، که بسیاری از آنها ثابت مانده بودند، به سختی دستخوش دیگرگونی و تغییر شدند.

در جدالهای قدیمی، پس از حکومت ساسانیان، در کتاب نامه‌های منوچهر،

(Introduction, pp.1-44) نزاع دو برادرِ روحانی را بر سر تغییر آداب و رسوم دینی می‌بینیم و می‌بینیم که چگونه منوچهر، پیشوایِ روحانیِ پارس و کرمان، زادسپرم، (zādesparam) برادرِ کوچکترِ خود را تکفیر کرده (تاریخ ۲۵۰ یزدگردی) و از آن طریق، آدابِ تطهیر (غُسلِ برش‌نوم، barsnūm) را از تغییر بر کنار نگاه داشته است. پس از گذشت نزدیک به هزار سال، سرانجام، هنگامی که شیوه‌های تازه‌ی زندگانیِ مدرن، با خیلِ مزایا و ارزشهای غنی و سرشارِ خود سر رسید، موبدان که روحانیانِ حامی و برگزارکننده‌ی آداب کهنِ رسمیِ زرتشتی هستند، دیگر تابِ مقاومت و حمایت از رسمها و باورهای کهنه و دیرینه را از دست داده بودند. آنگاه، آداب دینی و سنتِ زنده‌ی زرتشتی که در سیری کُند و آهسته تغییر یافته بود<sup>(۳)</sup>، در شرایط تازه و مدرن دنیا، مقهور فرهنگ و باورهای غربی شد (نگاه کنید به بخش ۷؛ و بند ۵-۳).

تاریخ ۲۵۰ یزدگردی (۸۸۱ میلادی) مذکور در نامه‌های منوچهر را باید حدّ و مرزی زمانی برای پایان جدالهای قدیمی در دوران ساسانیان و آغاز شدن دوران تثبیت باورها و آداب و رسوم دینی زرتشتی پس از اسلام دانست و گفت که از آن پس سنت دینی کهن بصورت منجمد و متحجر و ثابت در آمد و از تحوّل که در زمان ساسانیان در کتابی چون زندِ فرگرد و ندیداد (مزدابور، ۱۳۷۶؛ ۴۰۸-۴۱۰) دیده می‌شود، باز ماند. حدّ و مرزی زمانی را هم می‌شود با تساهل و بصورت باز و آزاد، در نظر گرفت و آن سال ۱۳۳۰ هجری شمسی یا ۱۹۵۰ میلادی است که در آن، این سنت کهن در برابر هجوم عوامل تازه‌واردی از غرب در هم شکست و به سرعت تغییر یافت.

از حدود این سالها به بعد، نسلهای قدیمی که اعتباری مطلق برای آداب و رسوم و باورها و سنتهای قدیمی قائل بودند، درگذشتند. آنچه اعتبار مطلق را برای آداب و عقاید کهن پدید می‌آورد، انزوا و دورافتادگی عقاید و باورهایی

بود که بنیاد رسمها بر آنها استوار است. از آن پس نسلهایی اداره امور را در دست گرفتند که نه تنها از ابزارهای جدید استفاده می‌کردند، بلکه با ارزشها و عقاید و باورهای جهان مدرن هم کمابیش آشنایی داشتند و از جهان در بسته قدیمی خارج شدند. در نتیجه، دایره کهن شکسته شد: از یک سوی، ذهنیات و تصوراتی که بنیاد رسمها را می‌سازند، و از سوی دیگر، اجزای سازنده رسمها و نیز جایگاه و نقش آنها در کل اندیشه و زندگانی مردم، شکلی تازه به خود گرفت.

از حدود سال ۱۳۳۰/۱۹۵۰، شمار زرتشتیانی که فقط عقاید و باورهای قدیمی را درباره آداب و رسوم کهن می‌شناختند، رو به کم شدن نهاد. بتدریج بر شمار کسانی افزوده می‌شد که نه تنها با اعتقادات اکثریت مردم ایران و مظاهر فرهنگ غربی و شکل جدید آن در ایران آشنا بودند، بلکه تصویری تازه از دین و گذشته فرهنگی خویش نیز داشتند. اینان در شرایط اجتماعی و اقتصادی نوینی می‌زیستند و دیگر امکان نداشت با همان تصورات کهن با برگزاری آداب و رسوم قدیمی روبرو شوند که به دنیای قدیم تعلق داشت. بینش این نسلهای تازه نسبت به آداب کهن، نسبت جدیدی را مطرح می‌کند و در نتیجه، آن نظم کهن در اندیشه را که موجب تثبیت آداب و رسوم می‌شده است، بر هم می‌زند. ایستار و رویکردهای جدید اکثریت مسلمان ایرانی نسبت به جامعه زرتشتیان و نیز ارمغانهای اندیشه از جهان غرب، که برخی زرتشتیان بویژه بتازگی با آن بسیار نزدیک شده‌اند، در شکل‌گیری تصورات جدید زرتشتیان نسبت به آداب و رسوم کهن نقش مهمی داشته است.

مهاجرت از یزد و کرمان به تهران و شهرهای دیگر عاملی بود که شرایطی جدید برای برگزاری آداب و رسوم پدید آورد (مثلاً نگاه کنید به بخش ۴: دشتان). روستا یا محیط آشنا و قدیمی کرمان و یزد، یا جای خود را به شهری چون

تهران می‌داد و ابعاد و شکل خانه‌ها و شرایط زیستن در آنها عوض می‌شد و یا اقتصاد کشاورزی یا شهری قدیمی جای خود را به اقتصادی جدید می‌سپرد. همچنین ابزارهایی که به این آداب و رسوم باز می‌گشت و در اجرای آنها به کار می‌رفت، شکلی تازه و دیگرگون می‌یافت؛ مثلاً کاربرد آسیای برقی برای ساختن خوراک آیینی سیر و سِداب (مهوش سروشیان، ۱۳۸۱، ص ۶۳۱) یا استفاده از چراغ گاز تک‌سوز و بزرگ به جای اجاق برای درست کردن سوژگ (surog) همان، ص ۶۳۶-۶۳۷). یا به جای شِکر، که بنا بر نوشته‌های کهن در جشنها به یکدیگر هدیه می‌دادندش، امروزه قند سبزی (کله‌قند پوشیده در زرورق سبز) همراه با آویشن هدیه می‌شود. فزونتر آن که نوع روابط انسانی، چه روابط میان زرتشتیان در مکان جدید و چه روابط زرتشتیان و غیرزرتشتیان، صورت و شکلی تازه به خود گرفت و در برگزاری آداب و رسوم کهن تأثیر کامل می‌گذاشت.

در نتیجه، اجزای سازنده هر رسم، کلیت آن و نقش آن از سر نو تعریفی تازه یافت. میزان مقاومت و سازگاری هر کدام از این عوامل و قابلیت ثبات و دوام هر یک متفاوت و خاص خود آن است. ثابت ماندن و دوام یاد دیگرگونی و تغییر هر عامل بنا بر ذات و وجود آن، ارزش آن در سلسله مراتب ارزشهای اجتماعی و فردی، و شرایط خود آن، و نیز ارتباط آن با دیگر عوامل و جایگاه آن در سلسله مراتب دانسته‌ها و ارزشهای ذهنی فرد و جامعه برگزارکننده رسم، هر بار بصورت امری نسبی در می‌آید. روشن است که عکس العمل مردم دیگری که با این جامعه سروکار و بر آن تسلط دارند، خود می‌تواند نقش مهمی در ارزیابی برگزارکنندگان رسم نسبت به آن رسم بازی کند.

### بقا و تغییر آداب و رسوم کهن زرتشتی در ایران کنونی

در بخشهای نه گانه زیر، گلچینی از آداب و رسوم کهن و مکتوب زرتشتی که در جامعه کنونی زرتشتیان ایرانی، با تغییراتی باقی مانده‌اند یا جای خود را به رسمی دیگرگون داده‌اند، آورده می‌شود:

#### ۱. موبدان و رسمیت آداب و رسوم

در واقع، برگزاری آداب و رسوم کهن و دانستن جزئیات و اجرای رسمی آنها شغل و حرفه موبدان است. در ایران، آنان بویژه پس از سالهای ۱۳۳۰/۱۹۵۰، مقاومتی چندان در برابر دیگرگونی آداب و رسوم آیینی نشان ندادند و با شرایط تازه با روی خوش مواجه شدند. بسیاری از فرزندان موبدان به حرفه‌های دیگر روی آوردند و در نتیجه، جای موبدزادگان در هدایت و برگزاری آداب و رسوم کهن خالی مانده است. به همین دلیل، سنت کهن شکسته شد و افرادی از خاندانهای عادی و به اصطلاح، «عام» را به نام «موبدیار» به حیطة قدیمی کار موبدان راه دادند (سال ۱۳۵۹-۱۳۶۱).

امروزه با حضور موبدان و موبدیاران برگزاری مراسم و آیینها رسمیت می‌یابد. نقشی که موبدان در رهبری آیینی جامعه زرتشتی دارند، بازمانده سهم و نقش مهم آنان در ادوار کهنتر است که اقتدار بیشتر و حکومتی و پرتنوع داشتند و از آن جمله، قدرت برای داوری و قضاوت و تعیین میزان مجازات جرم در دست آنها بود. دادن فتوهای دینی و آیینی که قبل از اسلام، موبدان بزرگ و والامقام، با سِمَت رسمی دولتی، به آن می‌پرداختند، امروزه به وسیله کنکاش موبدان (در واقع کنکاش یا انجمن موبدان تهران) انجام می‌گیرد.

#### ۱-۱. مراسم درونی آتشکده

آداب و مراسمی که بوسیله موبدان و موبدیاران و با نظارت آنان انجام

می‌گیرد، بسیار ساده شده است. دامنهٔ این ساده شدن به جزئیات مراسم و آدابی که در درون آتشکده‌ها (اصطلاح امروزی: دَرِ مهر؛ دَرِ زرتشتی: bar-e mehr) و گاهنبارخانه برگزار می‌شود، هم کشیده شده است. این مراسم، که اساساً مختص آتشکده بوده‌اند و هستند، یا ساده اجرا می‌شوند یا اصلاً حذف شده‌اند (بند ۱-۲). چنین است که گرچه رفتن به زیارتگاهها و نذر کردن برای آنها و کشیدن سفره‌های مقدس، که خارج از نظارت موبدان است، رونق بسیار دارد، اما گاهنبارخانه و اماکنی که خاص برگزاری یَزِشُن و خواندن و نذیرداد و دیگر نیایشهای طولانی قدیمی بوده‌اند، اغلب متروک و خالی است.

نکتهٔ دیگر آن که برخی از موبدان سالخوردهٔ ایرانی برای تحصیل به هندوستان رفته بوده‌اند. اینان گذشته از شیوهٔ برگزاری ایرانی آیینهای دینی کهن، با روشهای برگزاری این آداب در هندوستان نیز آموخته شده‌اند و به آن خو گرفته‌اند. از این روی است که در جستجوی دقیقتر، گاهی نشانه‌هایی از این آمیختگی را نیز می‌توان در این مراسم در ایران کنونی مشاهده کرد.

برخی از مراسم درگذشتگان، مانند نیایش خواندن برای «شبگیره» و «بزرگ کردن آتش» (بند ۱-۲) در خود محوطهٔ آتشکده انجام می‌گیرد.

### ۲-۱. آیینهای رسمی در بیرون از آتشکده

مراسمی که موبدان و موبدیاران در بیرون از آتشکده برگزار می‌کنند، بخش اصلی آیینهای بازماندهٔ زرتشتی است که اجرا می‌شود؛ یعنی گاهنبارها و مراسم درگذشتگان (گوش بهدیان: kar o dad، کارهای دینی و قانونی).

مراسم رسمی درگذشتگان پس از تدفین (بند ۲-۲) سوم (اصطلاح قدیمی تر: sed) و چهارم (اصطلاح قدیمی کرمانی: čāromun) و دهه (daha) و سیروزه (siruja/siruza) و روزه (ruja/ruza) است. در هر ماه تا یک سال



روزه برگزار می‌شود و در سر سال، مراسم سال است و تاسی سال، هر ساله، سال رامی خوانند. پس از سال اول، یک روزه دیگر هم در سر ماه پس از سال خوانده می‌شود. این مراسم در ایران بیش از هندوستان، که در آن جا تاسی سال هم سال رانمی خوانند، تفصیل دارد و با مهمانی توأم است.

گاهنبارها هم چون از قدیم باز مانده‌اند و معمولاً هر یک به نام شخص در گذشته‌ای خوانده می‌شود، در واقع بصورت جزئی از مراسم درگذشتگان درآمده‌اند. گاهنبارها هر یک موقوفه‌ای دارند و طبعاً سالهای برگزاری آنها محدود نیست. هر گاهنبار در یکی از شش چرخه (دری زرتشتی: cāhra) گاهنبار، که هر یک پنج روز طول می‌کشد، برگزار می‌شود. در روزهای گاهنبار موبدان در نخستین ساعات بامداد در آتشکده مراسم واج‌یشت گاهنبار را برگزار می‌کنند و این مراسم اخیراً رونق تازه یافته است.

برای برگزاری این گونه مراسم در تهران اماکنی وقفی، مانند سالن ایرج، خانه نرگس، مجتمع فرهنگی مارکار، و نیز سالنهای متعدد آتشکده وجود دارد. در همه شهرهای زرتشتی‌نشین نیز چنین امکاناتی فراهم آمده است.

جز اینها، در مراسم درگذشتگان، قطعه پارچه سفیدی هم جزو خیرات است (شایست نلشایست، ۱۳۶۹، فصل ۱۰، بند ۳۰؛ فصل ۱۲، بند ۴ و یادداشتهای آنها). این پارچه را «شَبِگیره» می‌نامند و پس از برگزاری نیایش به مصرف «پاکی» و کارهای آیینی و پاکیزه می‌رسد. نیز به نیت بخشوده شدن تقصیر و گناهان نادانسته و غیر عمدی یا آگاهانه ولی «ناتوخته» و جبران نشده متوفی و قصور وی در پرستش و نیایش (بخش ۵ بندهای ۲ و ۴ و ۵) و یا تقصیر وی در پرهیز و پاک داشتن زمین و آتش، موبدان برای او و به نام او و اوستاهای دیگری هم می‌خوانند.

از این اوستاها، خواندن «یَسْتِ دَوَرِ دادگاه» («دادگاه» به زبان دری زرتشتی

یعنی دخمه و آرامگاه) در آرامگاه و «بزرگ کردن آتش» یعنی خواندن نیایش به نام متوفی برای آتش، در آتشکده انجام می‌گیرد. «یشت دورِ دادگاه» پیش از این با تفصیل بسیار در محلّ دخمه و دادگاه، از نیمه شب تا بامداد خوانده می‌شد. کنکاش موبدان آنچه را که باید در هر یک از این مراسم خوانده شود و چگونگی برگزاری آنها را معین و به موبدان و موبدیاران ابلاغ می‌کند.

### ۱-۳. جشن خوانی و گاهنبارِ توجی

جز این، مراسم جشن خوانی (jašan-xāni) در خانه‌ها تا ۱۳۳۰/۱۹۵۰ انجام می‌گرفت. جشن خوانی به مناسبتِ خیر و خوب، مثل خریدن و ساختنِ خانه نو معمول بود و فرخنده به شمار می‌رفت. جشن خوانی در واقع میهمانی بود که با مشارکتِ موبدان و خواندنِ نیایش (آفرینگانِ نعمان و هم‌آزور) همراه برگزار می‌شد. امروزه خواندن جشن کمتر به شکل سابق معمول است. در واقع میهمانی می‌دهند، اما اغلب نیایش و دعایی در آن خوانده نمی‌شود.

با وجود این، خواندنِ گاهنبار و صورتی از جشن در اماکنِ عمومی و وقفی گاهی دیده می‌شود. در کنار آن، خواندنِ گاهنبارِ موسوم به توجی (tuji) از سوی سازمانهای زرتشتی و گروهها و گاهی اشخاص انجام می‌گیرد و گاهنبارِ توجی را همه وقت و به سادگی می‌توان خواند.

این واژه از فعلی ساخته شده است که معادل و همسنگ آن در زبان فارسی می‌شود «توختن» و مادهٔ مضارع آن «توز» به معنای «ادا کردن، جبران کردن»:

چو گفتمی که وام خرد توختم	سخن هر چه بایستم آموختم
یکی نغز بازی کند روزگار	که بنشاندت پیش آموزگار

(شاهنامه، چاپ مسکو، ج ۸، ص ۱۲۶)

واج «ز» (Z) طبق قاعده در گویش بهدینان در جاهای بسیاری می‌شود ج